

کپسنگ بزرگ سند ملی آموزش وپرورش محمدرضا نیکبخت

کاش و بررسی مسایل سامانه بنیادین آموزش‌وپرورش در میان رسانه‌ها تنها به پخش خبرها و گزارش‌های روزمره آن محدود شده است. نباید فراموش کرد که سنگ بنای توسعه و پیشرفت همه سویه هر کشوری، سرمایه‌گذاری بر نیروی انسانی آن و پرورش نسل‌هایی دانا، توانا و فرهیخته است. به ویژه واکاوی این جستارها هنگامی ارزش بیشتری می‌یابد که درک درستی از جهانی‌شدن و درآمیختگی مرزهای فرهنگی، اخلاقی و ارزشی خرده فرهنگ‌ها داشته باشیم. هر انسان پرورش‌یافته در این خرده فرهنگ‌ها نماینده‌ای از آن فرهنگ بوده و باید بتواند بخشی از فرهنگ جهانی را از آن خود کند. پرورش چنین نسلی نیازمند درگیری همه نیروهای فرهنگ‌ساز جامعه‌مانند اندیشمندان، روزنامه‌نگاران، کثون‌های دانشگاهی، رسانه‌ها و نهادهای مدنی و صنفی درون و بیرون آموزش‌وپرورش و… است. در این میان و در این سال‌ها روزنامه شرق بیش از رسانه‌های نوشتاری دیگر با به این گستره نهاده و بر واکاوی ژرف‌تر این مسایل می‌پردازد.

اما روز هشتشنبه بیستم دی در صفحه آموزش روزنامه شرق، گزارشی‌با عنوان «سندی بدون راهکار اجرایی» به چاپ رسید که در آن بخشی از سند ملی آموزش‌وپرورش به ویژه هدف‌های کلان آن آورده شده بود. بخش‌هایی از این گزارش را با هم می‌خوانیم یا بهتر با فضای آن آشنا شویم. «آموزه‌های قرآن کریم، نقش معنوی، اسوایی، هدایتی و تربیتی پیامبر اکرم (ص) و حضرت فاطمه زهرا (س) به چاپ رسید که در آن به ویژه امام زمان (عج) و ولایت‌مداری در تمامی ساحت‌ها برای تحقق جامعه عدل جهانی (جامعه مهدوی)، آموزه‌های بنیادین مهدویت و انتظار به عنوان رمز هویت اسلام ناب… همچنین تعلیم و تربیت زستی و بدنی، تعلیم و تربیت زیباییشناختی و هنری، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، تعلیم و تربیت علمی و فناوریانه منطبق بر نظام معیار اسلامی، نقش معلم به عنوان هدایت‌کننده بصیرت و تعالی در زمینه‌های گوناگون عبادی – اخلاقی، اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، کرامت ذاتی و اکتسابی انسان و کسب فضایل اخلاقی از جمله ایمان، تقوا، توبی و تبری، عمل صالح، خودباوری، تعلیم و تربیت مجاهدت، ظلم‌ستیزی، علم، حکمت، عفت، شجاعت، عدالت، صداقت، ایثار و فداکاری، سلامت جسمانی، نشاط و تقویت اراده، تکوین و تعالی جنبه‌های انسانی هویت دانش‌آموزان برای تقویت روابط حق محور، عدالت‌گستر و مهروزرانه با همه انسان‌ها در سراسر جهان…»

۱. نخستین سنجه برای ملی بودن یک سند آن است که به تفاوت‌های فرهنگی، قومی، مذهبی و… در کشور توجه کرده باشد.
۲-برای هدف، ویژگی‌هایی را بر می‌شمارند. برای نمونه اینکه هدف‌ها باید سنجش‌پذیر، دست یافتنی، پذیرفتنی، همخوان و هم‌داستان… باشند.
از سویی برخی از هدف‌های نوشته‌شده در سند بسار بلندپروازانه است. بسیاری از صفت‌هایی که به آن آمده است انهایی هستند که همه ادیان و مصلحان تاریخی از آفرینش، شمار اندکی از آنها بازمانده، چه رسد به یک نقشه راه ۱۴ ساله (تا ۱۴۰۴) برای بلندپروازی‌ها، همان سنگ بزرگی که به یاد می‌آورد که نشانه نزدن است. از سوی دیگر واژه‌هایی مانند «جامعه معیار اسلامی، تعلیم و تربیت اسلامی، حیات طیبه و…» واژه‌هایی کلی و دارای تعریض‌ها و برداشت‌های گوناگون است و این گوناگونی دریافت بر لبام آنها می‌افزاید و باز هم سند را برای اجرا دچار دشواری می‌کند.
۳-در بخشی از سند بر همیاری خانواده‌ها، نهاده‌ا، سازمان‌های دولتی و مردم نهاد انگشت گذاشته شده است. اما در تهیه خود این سند تا چه اندازه این نهاده‌ها همیاری کردند؟ آیا هنگامی که دغدغه‌های آنها دیده نشده است می‌توان در انتظار همیاری آنها بود؟ خود فرهنگیان به‌عنوان اجراکنندگان هدف‌های خرد این سند، در تهیه آن چه نقشی داشته‌اند؟ آیا خواسته‌های آنها در سند گنجانده شده است؟ نباید فراموش کرد که اگر همیاری آنها نباشد، این سند هم، مانند بسیاری از قانون‌ها و بخشنامه‌ها پس از زمانی کوتاه به فراموشی سپرده خواهد شد.

۴-اما پرسش دیگر این است که سندی با شعارهایی چنین شگفت که نزدیک به یک دهه آماده‌سازی‌اش به درازا کشیده و سه دولت در آن نقش داشته‌اند چگونه در ۱۴ سال می‌تواند زمینه درخور برای اجرا را بپاید؟ چند سال برای آماده‌سازی جامعه و آشنایی خانواده‌ها و فرهنگیان با آن نیاز است؟ آیا دولت آینده – مانند همین دولت- به دگرگونی همه آن یا دست‌کم بخش‌هایی از آن دست نمی‌یازد؟ بگانه کسانی که باید در گستره این دگرگونی‌ها قار گیرند – دانش‌آموزان – درباره این هدف‌ها چیست؟ آیا این دگرگونی‌ها را بر می‌تابند یا مانند گذشتنه در درون مدرسه به گونه‌ای رفتار خواهند کرد و بیرون از آن به گونه‌ای دیگر؟ پاسخ این پرسش‌ها و پرسش‌هایی از این دست که در این نوشته نمی‌تغذد را در آینده خواهیم گرفت!

بی‌نوشته

(۱) مقدمات مدیریت آموزشی، موسسه انتشارات بعثت، علی محمد علاءقهن،صفحه ۴۱

آیا ایرانیان مردمی تبعیض‌گرا هستند؟ پاسخ این سوال مثبت است یا منفی. اگر جواب مثبت است نشانه‌های آن کجاست، چه آماری از تبعیض‌ها در ایران هست، و اگر جواب منفی است پس برخی رفتارهای تبعیض‌آمیز با افغان‌ها و افراد متعلق به بعضی قومیت‌ها نشانه چیست؟ در همین رابطه با «سعید معیدفر» استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران گفت‌وگو کرده‌ایم. گفت‌وگو را در ادامه بخوانید.

■ ■ ■

■ از دیدگاه جامعه‌شناسانه تعریف تبعیض گرای چیست؟
قابل بودن به برتری یک نژاد بر نژاد دیگر را می‌توان اصلی‌ترین مشخصه تبعیض گرای دانست. هرگاه جمعیتی از یک نژاد خاص چه به لحاظ رنگ پوست و چه به لحاظ قومیت خاص، رفتارهایی از خود بروز دهند که سرمشاه تبعیض علیه نژاد یا قومی دیگر باشد و کسانی قابل به تفاوت جدی میان خود و فرد یا افرادی از نژادی دیگر باشند که منجر به برتر دانستن خود و روا داشتن تبعیض و سوء رفتار و تحقیر دیگری شود، آن رفتار تبعیض گراست. شکل بارز آن را هم می‌توان جریان آپارتاید در آفریقای جنوبی یا نحوه برخورد با قوم… در هند که آنها را نجس می‌دانند، دانست.

■ حالا با این تعریف آیا می‌توان ایرانیان را مردمی تبعیض گرا دانست؟ البته منظور فقط رفتار امروز ایرانیان نیست. از گذشته تا امروز؟

ایران به لحاظ جغرافیای سیاسی وضعیتی داشته است که تا الان من به موردی برخوردادم که بتوان آن رفتار را در قالب تبعیض گرای تعریف و عنوان کنم. دست‌کم من تا الان به هیچ مورد خاصی برخورد نکرده‌ام و البته طبیعی هم هست، جغرافیای سیاسی ایران به گونه‌ای بوده که از نژادهای مختلف در گوشه و کنار این سرزمین در کنار هم زندگی کرده‌اند از نژاده‌ا و قومیت‌های مختلف، این قوم‌ها و نژادها هم قرن‌های متمادی بدون درگیری و اختلاف خاصی در کنار هم زندگی کردند. در هیچ دوره‌ای نیز هیچ کدام از این نژادها مباحثی مانند ناپ گرای نژاد و برتری خود بر دیگری را مطرح نکرده است. در تاریخ کمتر موردی هست که گزارش از اذیت و آزار یک قوم و نژاد خاص در ایران توسط قوم و نژادی دیگر روایت شده باشد.

■ اما گروهی معتقدند برخلاف نظر شما چه در گذشته و چه همین امروز در برخی از نقاط که هنوز ساختارهای قومی و قبیله‌ای برقرار است، اقوام و طوایفی هستند که به کارها و وظایفی که در سلسله‌مراتب و فرهنگ آن منطقه پست محسوب می‌شود، اشتغال دارند. سلمان، ختنه کردن پسران، تیمارداری اسب و حتی در باره‌ای مواقع نواختن سازهای محلی از آن دسته شغل‌هایی است که فقط این اقوام انجام می‌دهند و بقیه اقوام به دلیل اینکه آنها را کارهای پست می‌دانند انجام نمی‌دهند. علاوه بر این برقراری رابطه خویشاوندی از ازدواج با این اقوام از سوی دیگران هم در آیین منطقه‌ها انجام نمی‌شود. اینکه می‌گوییم مربوط به گذشته نیست همین الان این رویه در برخی نقاط کشور مرسوم است و دارد. آیا اینها مصداق نژادپرستی نیست؟

نه، من موافق نیستم. در همه جوامع بحث سلسله‌مراتب هست. این را باید از زاویه بحث فرادست و فرودست دانست که در همه جا هم رایج است و از نگاه جامعه‌شناسان هم «جهان…»

۱. نخستین سنجه برای ملی بودن یک سند آن است که به تفاوت‌های فرهنگی، قومی، مذهبی و… در کشور توجه کرده باشد.
۲-برای هدف، ویژگی‌هایی را بر می‌شمارند. برای نمونه اینکه هدف‌ها باید سنجش‌پذیر، دست یافتنی، پذیرفتنی، همخوان و هم‌داستان… باشند.
از سویی برخی از هدف‌های نوشته‌شده در سند بسار بلندپروازانه است. بسیاری از صفت‌هایی که به آن آمده است انهایی هستند که همه ادیان و مصلحان تاریخی از آفرینش، شمار اندکی از آنها بازمانده، چه رسد به یک نقشه راه ۱۴ ساله (تا ۱۴۰۴) برای بلندپروازی‌ها، همان سنگ بزرگی که به یاد می‌آورد که نشانه نزدن است. از سوی دیگر واژه‌هایی مانند «جامعه معیار اسلامی، تعلیم و تربیت اسلامی، حیات طیبه و…» واژه‌هایی کلی و دارای تعریض‌ها و برداشت‌های گوناگون است و این گوناگونی دریافت بر لبام آنها می‌افزاید و باز هم سند را برای اجرا دچار دشواری می‌کند.
۳-در بخشی از سند بر همیاری خانواده‌ها، نهاده‌ا، سازمان‌های دولتی و مردم نهاد انگشت گذاشته شده است. اما در تهیه خود این سند تا چه اندازه این نهاده‌ها همیاری کردند؟ آیا هنگامی که دغدغه‌های آنها دیده نشده است می‌توان در انتظار همیاری آنها بود؟ خود فرهنگیان به‌عنوان اجراکنندگان هدف‌های خرد این سند، در تهیه آن چه نقشی داشته‌اند؟ آیا خواسته‌های آنها در سند گنجانده شده است؟ نباید فراموش کرد که اگر همیاری آنها نباشد، این سند هم، مانند بسیاری از قانون‌ها و بخشنامه‌ها پس از زمانی کوتاه به فراموشی سپرده خواهد شد.

۴-اما پرسش دیگر این است که سندی با شعارهایی چنین شگفت که نزدیک به یک دهه آماده‌سازی‌اش به درازا کشیده و سه دولت در آن نقش داشته‌اند چگونه در ۱۴ سال می‌تواند زمینه درخور برای اجرا را بپاید؟ چند سال برای آماده‌سازی جامعه و آشنایی خانواده‌ها و فرهنگیان با آن نیاز است؟ آیا دولت آینده – مانند همین دولت- به دگرگونی همه آن یا دست‌کم بخش‌هایی از آن دست نمی‌یازد؟ بگانه کسانی که باید در گستره این دگرگونی‌ها قار گیرند – دانش‌آموزان – درباره این هدف‌ها چیست؟ آیا این دگرگونی‌ها را بر می‌تابند یا مانند گذشتنه در درون مدرسه به گونه‌ای رفتار خواهند کرد و بیرون از آن به گونه‌ای دیگر؟ پاسخ این پرسش‌ها و پرسش‌هایی از این دست که در این نوشته نمی‌تغذد را در آینده خواهیم گرفت!

۴-اما پرسش دیگر این است که سندی با شعارهایی چنین شگفت که نزدیک به یک دهه آماده‌سازی‌اش به درازا کشیده و سه دولت در آن نقش داشته‌اند چگونه در ۱۴ سال می‌تواند زمینه درخور برای اجرا را بپاید؟ چند سال برای آماده‌سازی جامعه و آشنایی خانواده‌ها و فرهنگیان با آن نیاز است؟ آیا دولت آینده – مانند همین دولت- به دگرگونی همه آن یا دست‌کم بخش‌هایی از آن دست نمی‌یازد؟ بگانه کسانی که باید در گستره این دگرگونی‌ها قار گیرند – دانش‌آموزان – درباره این هدف‌ها چیست؟ آیا این دگرگونی‌ها را بر می‌تابند یا مانند گذشتنه در درون مدرسه به گونه‌ای رفتار خواهند کرد و بیرون از آن به گونه‌ای دیگر؟ پاسخ این پرسش‌ها و پرسش‌هایی از این دست که در این نوشته نمی‌تغذد را در آینده خواهیم گرفت!

سعید معیدفر، جامعه‌شناس در گفت‌وگو با «شرق»:

ایرانی‌ها تبعیض‌گرا نیستند

صدرا محقق



برای جوامع امر لازمی است. واقعیت اجتماعی را نباید نادیده گرفت. الان در پیشرفته‌ترین جوامع هم گروه‌هایی هستند که در سلسله‌مراتب اجتماعی در رده‌های بالای اجتماعی قرار می‌گیرند و گروهی در دسته‌های پایین. برخی شرایط نامناسبی دارند و حتی در سطوحی افرادی هستند مانند کار تن‌خواب‌ها. امروز اگر به مراکز کارتن خواب‌ها بروید ممکن است افرادی را ببینید که پیش از این جزو طبقه فرادستان بوده‌اند اما حالا شان و جایگاه اجتماعی خود را به دلایلی از دست داده‌اند و نوع رفتاری که با آنها می‌شود با توجه به موقعیت جدیدشان است. این نژادپرستی نیست. این را باید بی‌عدالتی اجتماعی دانست. در ایران افرادی هم هستند که از یک پایگاه اجتماعی پایین آمده و رشد کرده باشند ولی الان کسی از آنها نمی‌پرسد که اهل چه طایفه و قومی هستند تبعیض گرای به این معناست که چون شما متعلق به فلان نژاد خاص هستید باز هم آن نگاه پست به شما وجود داشته باشد.

■ این در بافت‌ها و شهرهای مدرن هست، اما در بافت‌های سنتی که در کشور ما کم هم نیست آن اقوام خاصی که به آن اشاره کرده‌ام ولو اینکه به لحاظ اجتماعی پایگاهشان رشد کند هنوز هم به دلیل اینکه از آن قوم و نژاد هستند در جامعه پذیرفته نمی‌شوند و با آنها رابطه خویشاوندی برقرار نمی‌شود و…

در گذشته جامعه حالت دولت- ملتی و شهروندی نداشت و قومی و قبیله‌ای بود. در آن ساختار هم هر قوم و قبیله‌ای به لحاظ زستی، فرهنگی، حتی نوع پوشش و زبان و… بسیاری از

مدیر انجمن زنان و کودکان پناهنده در گفت‌وگو با «شرق»:

تبلیغات ضدایرانی در افغانستان ناشی از اغراض سیاسی است

«در حال حاضر یک‌سری جریان‌های هدفمندی در افغانستان از نقاط ضعف رفتاری ما یا مهاجران خارجی سوءاستفاده می‌کنند و به بهره‌برداری سوءسیاسی علیه کشورمان دامن می‌زنند. فاطمه اشرفی مدیر انجمن غیردولتی زنان و کودکان پناهنده (حامی) با بیان این مطلب خاطر نشان می‌کند که در یکی، دو سال اخیر موجی منفی در افغانستان ضد ایران شکل گرفته که مغرضانه و سیاسی است و رسانه‌های این کشور سعی در تلقین ایجاد تصویری منفی درباره ایران دارند. انجمن حامی نزدیک به چهار سال است که در چهار مرکز خود در تهران و مشهد به آموزش کودکان مهاجر افغان و عراقی در مقطع دبستان می‌پردازد و تا به امروز موفق شده است بیش از سه‌هزار و ۶۰۰ کودک و زن مهاجر افغان را تحت آموزش پایه، سوادآموزی و آموزش‌های بهداشتی، مراقبتی و رفتاری قرار بدهد. اشرفی با بیان اینکه براساس آمار یونیسف ۴۰۰هزار دانش آموز افغان در ایران هستند که بنابر آمار رسمی تنها ۲۸۵هزار نفر از آنها جذب سیستم‌های آموزشی شده‌اند، نادیده‌گرفتن آن تعداد از کودکانی را که محروم از تحصیل هستند به بنب‌های انفجاری تشبیه می‌کند.

■ در این میان تکلیف آنها که از سن مدرسه رفتن‌شان گذشته است، چیست؟
ممکن است یک دختر یا پسر با توجه به کبر سنی امکان این را نداشته باشد که در مدارس عادی درس بخواند اما می‌تواند از خدمات نهضت سوادآموزی استفاده کند.
■ علاوه بر تحصیل و آموزش انجمن شما در چه زمینه‌های دیگری فعالیت می‌کند؟
جدای از آموزش، ما تسهیلاتی را فراهم می‌کنیم که دختران جوانی که از حداقل مدرک تحصیلی برخوردار هستند، بتوانند قابلیت و توانایی پیدا بکنند تا در هنگام بازگشت به کشورشان نقش موثری ا داشته باشند.
■ در این میان تکلیف آنها که از سن مدرسه رفتن‌شان گذشته است، چیست؟
ممکن است یک دختر یا پسر با توجه به کبر سنی امکان این را نداشته باشد که در مدارس عادی درس بخواند اما می‌تواند از خدمات نهضت سوادآموزی استفاده کند.

■ علاوه بر تحصیل و آموزش انجمن شما در چه زمینه‌های دیگری فعالیت می‌کند؟
جدای از آموزش، ما تسهیلاتی را فراهم می‌کنیم که دختران جوانی که از حداقل مدرک تحصیلی برخوردار هستند، بتوانند قابلیت و توانایی پیدا بکنند تا در هنگام بازگشت به کشورشان نقش موثری ا داشته باشند.
■ در این میان تکلیف آنها که از سن مدرسه رفتن‌شان گذشته است، چیست؟
ممکن است یک دختر یا پسر با توجه به کبر سنی امکان این را نداشته باشد که در مدارس عادی درس بخواند اما می‌تواند مهارت‌های ارتباطی و فردیشان را افزایش بدهد.

■ آماری دارید که چه تعداد افراد از طریق انجمن شما تحت آموزش‌های مختلف قرار گرفته‌اند؟
حداقل در بحث آموزش در چهار سال اخیر بیش از هم کار کرده‌ام اما مأموریت من برای زنان و کودکان سه‌هزار و ۶۰۰ نفر فقط در مراکز آموزشی ما در مقطع ابتدایی درس خوانده‌اند اما چون هر سال دوره‌ها متعدد و مکرر بوده و در این ۱۵، ۱۰ سال برنامه‌ها تغییر کرده

نگاه کارشناس

باز تولید «تبعیض»



نیره توکی

جامعه‌شناس

■ گاهی تبعیض و تناقض‌ها در میان شهروندان کشوری در رده‌های مختلف بازتولید می‌شود. آن وقت دیگر بازتولید تبعیض‌ها محدود به شهروندان یک کشور نخواهد شد و پناهجویان و مهاجران نیز از پیامدهای زبابانر آن بی‌نصیب نمی‌مانند. در ایران با وجود تاکید آموزه‌های اسلامی و قانونی بر برابری شهروندان مقابل قلمون می‌دانیم که ثروت و گزارش‌هایی چون پول و سرمایه و پارتی گزاره‌های تاثیرگذاری در تولید امر «تبعیض» می‌شود و همین تبعیض، در سطوح مختلف جامعه دیده می‌شود. بنابراین، وضعیت نژادپرستی و ارتکاب رفتار تبعیض‌آمیز در ایران با جهان از این جهت متفاوت است. تبعیض قومی و نژادی مختص به جنرافیای ایران نیست، اما در ایران شاخص‌های خاص خودش را دارد. در ایران سازمان‌ها و نهاده‌ا کمتر به حقوق «پناهنده» توجه می‌کنند. در غرب با وجود انواع تبعیض‌هایی که نسبت به مهاجران روا داشته می‌شود، حقوق و قانون، حامی امنیتی هرچند محدود به پناهجویان می‌دهد. در قلموس بین‌الملل و حقوق بشر هر نوع رفتار تبعیض‌آمیزی ممنوع شده و تلاش‌های جهانی به سمت ترویج نوعی رفتار مبتنی بر احترام به حقوق اقلیت‌ها در دستور کار قرار گرفته و خوشبختانه کشورهای چندملیتی و آنهایی که ارتباطات جهانی گسترده‌تری دارند در این مسیر گام‌های مثبتی را بر داشته و نمود و بروز رفتار تبعیض‌آمیز در این کشورها نسبت به گذشته کاهش یافته است.

ن باید فراموش کنیم که شاید امروز حودثی چون «کوه صفه» اصفهان یا رفتار سا افغان‌ها در مازندران به شکلی ریشه در تشدید وضعیت اقتصادی ما در ایران داشته باشند. هر چند هزار دلیل دیگر نیز ممکن است در این میان تعیین‌کننده و تاثیرگذار باشند، بی‌شک، شکل‌گیری برخی قالب‌های ذهنی از افغان‌ها در ذهن ایرانی‌ها، وضعیت معیشتی امروز جامعه ایران، کمبود توجه سیاست‌گذاران به فرهنگ‌سازی درباره برخورد با مهاجران و کم‌توجهی به روابط بین‌المللی گسترده با دیگر کشورها؛ جمله شاخص‌های مهم و تعیین‌کننده‌ای است که در این میان ایفای نقش می‌کند.

به هر روی، زندگی با افغان‌ها در این سال‌ها فراز و نشیب بسیار داشته و امروز، روا نیست که برخی مشکلات پیش روی ما موجب شود تا باعث رنجش قومی شویم که سال‌های سال در کنار ما زندگی دوستانه‌ای داشته‌اند و به حکم اجبار مدنی در کنار ما سکنی گزیده‌اند.

نگاه

توصیه‌هایی

برای رفتار مناسب با معتادان

نصیر طالبی

■ هیچ چوب دستی سحرآمیزی، هیچ ورد و دعایی، هیچ دارو و درمانی و هیچ تانک در اک اعتباری وجود ندارد که قادر باشد معتاد را یکشبه از بیماری اعتیاد نجات دهد. زیرا هیچ فردی یک‌روزه معتاد نشده که یک‌شبه بهبودی پیدا کند. تلاش بیهوده بر ارشاد، نصیحت، ملامت، حمایت یا تنبیه معتاد نکند. اگر او مبتلا به یک بیماری مزمن و لاعلاج بود چه می‌کردید؟ آیا مورد لعن و نفرین قرارش می‌دادید و از او متنفر می‌شدید؟ پاسخ شما به احتمال زیاد منفی است. در حقیقت اعتیاد هم یک نوع بیماری است. البته یک بیماری مزمن، پی‌شونده و سخت درمان‌شونده که احتمال عود بعد از بهبودی نیز در آن وجود دارد. وقتی مواد مصرفی فرد معتاد را دور می‌ریزید یا پنهان می‌کنید، پول‌های کثیف او را برمی‌دارید، او را کنترل می‌کنید و به چشماش خیره می‌شوید فقط وقت خود را تلف می‌کنید و باعث خشم و آزار او می‌شوید. چون همیشه راهی برای فراهم کردن موادمخدر پیدا می‌کند و برای وضعیت غیرعادی خودش، سرخی چشم‌هایش و رنگ‌پریدگی رخسارش بهانه‌های خواهد آورد. اجازه ندهید شما را عصبانی کند. اگر با رفتارهای غیرمنطقی و صرفاً احساسی با او برخورد کنید یا او را به داد و توهین و انتقاد بگیرد دلایل بسیاری برای داشتن احساس بد نسبت به خودش پیدا می‌کند. او به اندازه کافی از خود متنفر است. اجازه ندهید محبت و حمایت ناسالم شما اضطراب و نگرانی و احساس شرم و گناهی که نسبت به او دارید باعث شود کارهایی برای او انجام دهید که خودش باید بر عهده بگیرد. به این ترتیب هیچ وقت مسئول رفتارهای نامناسب خود نخواهد بود.

به قبول و قرارهای او زیاد اعتماد نکنید. او برای راهی از وضعیت دشوار و غیرقابل تحملی که برایش پیش می‌آید قول‌های زیادی می‌دهد که بنا بر طبیعت و ماهیت بیماری اعتیاد در تست‌شیر اراده خشمی فرد، امکان پابندی به آنها برایش مقدور نیست و نمی‌تواند به تعهداتش عمل کند.

نزدیقتن واقعیت یکی دیگر از اثرات بیماری اعتیاد است. سعی نکنید او را از تاثیرات اعتیاد نجات دهید. مثلا پول مخارج او را ندهید و مسوولیت‌های فردی او را به دوش نگیرید. به دلیل اعتیاد به او دروغ بگویید و پنهان کاری نکنید. چنین کارهایی باعث می‌شوداحتمال اینکه به دنبال کمک برود کم شود. تا زمانی که از روی عدم شناخت بیماری اعتیاد و نداشتنه یک کار فرار راحت باشد، برای گریز از مسوولیت‌ها و مشکلات ناشی از اعتیاد برایش فراهم می‌کنید. او قبول نخواهد کرد که با اعتیاد مشکل دارد. هیچ کجا معتاد را تهدید بدون عمل نکنید. چنانچه تصمیمی گرفتید به آن عمل کنید.

«رئیس مرکز زندگی پاک